

شیطانکی زشت در قید ما بود، او مثل دیو بود، در اینجا تا بود  
روزی به شکلی صد رنگ و وارنگ در فکر خود داشت صد مکر ونیرنگ  
شلاق وشلاق بر دوش ملت، می زد ستمگر، بر فرق امت(۲)  
هر جا صدایی چون ناله آمد، آنجا که اشکی، چون ژاله آمد  
از ظلم او بود، غم ها به دلها، از بود او بود، روزها چو شبها  
فریاد و فریاد از کفر و بیداد، شد غنچه پرپر از ظلم شیاد(۲)  
اما فرشته با لاله آمد، ملت به دورش، چون هاله آمد  
دیو ستم رفت آمد فرشته، پیروزی حق گشته نوشته  
شادی و شادی اکنون رسیده، شد غم وماتم از دل بریده(۲)  
با اینکه دیری از بین ما رفت، شیطانکی زشت از هر کجا رفت  
ای ملت با ایمان و یک دست، هشیار و بیدار شیطان هنوز هست  
هوشیار و هوشیار، مؤمن فداکار، دیگر نخواهد، عشاق بیدار(۲)